



گسترش مبارزات

و

اعتلاء جنبش های توده ای

درحالی که آخرین روز های سال ۱۳۷۹ سپری می شود ، بحران سیاسی که رژیم جمهوری اسلامی را در چنبره خود گرفته است ، عمیق تر و عمیق تر می شود. در چند روز گذشته شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری ، تظاهرات مردم سنج ، اعتراضات معلمین و مبارزات دانشجویی در چندین دانشگاه بوده ایم. این مبارزات ، حلقه های دیگری از زنجیره بهم پیوسته جنبش های اعتراضی توده های مردم ایران علیه رژیمی است که ثمره ۲۲ سال موجودیت آن ، تشدید فقر و فلاکت در میان کارگران و زحمتکشان ، محرومیت عموم توده های مردم از آزادی های سیاسی و سرکوب و اختناق بوده است. تحمل ناپذیری وضع موجود به چنان مرحله ای رسیده است که به رغم سرکوبهای بیرحمانه حکومت اسلامی ، توده های مردم به اشکال علنی و مستقیم مبارزه روی آورده و این مبارزات روز به روز اعتلاء می یابند و وسعت می گیرند. نظری کوتاه به مبارزات یکسال گذشته نشان می دهد که در این یک سال ، دهها هزار کارگر درصدها مورد به اشکال متنوعی از مبارزه دست یازیده اند. در این مدت در بیشتر کارخانه ها و موسسات تولیدی و خدماتی شاهد اعتصابات کارگری بوده ایم. کارگران دهها کارخانه نظیر کفش ملی ، مبلیران ، علاءالدین ، جامکو ، جواهریان ، نساجی قائم شهر ، تخته سه لائی ساری ، فولاد اهواز ، کشمیران ، نخ کار ، کفش سه ستاره ، پارچه بافی فرضیان ، معدن باب نیز و . . . دهها بارجاده ها و خیابانها را بستند ، خیابانهای شهرهای بزرگ را زیر پا گذاشته ، در مقابل مراکز دولتی از خانه کارگر و ادارات کارگرفته ، تا فرمانداری ها

صفحه ۲

جاودان باد یاد جانباختگان فدائی

۲۵ اسفند سالروز جانباخته گان فدائی ست. در طول ۳۰ سالی که از حیات سازمان می گذرد ، صدها تن از بهترین رفقای ما به خاطر اهداف انسانی خود ، در نبرد با دشمنان آزادی و سوسیالیسم جان باختند. پاسداران نظم ستمگرانه حاکم بر ایران ، همواره بر این پندار باطل بوده اند که با زندان ، اعدام ، شکنجه ، اختناق و سرکوب کارگران و زحمتکشان ، می توانند برای همیشه توده مردم را در انقیاد نگهدارند و حاکمیت خود را ابدی سازند. آنها برای پیشبرد سیاستهای ضد انسانی خود ، کمونیستها را که پیگیرترین مدافعان آزادی و سوسیالیسم هستند ، آماج بیرحمانه ترین سرکوبها قرار داده اند. از همین روست که در طول سه دهه گذشته ، رژیم های حاکم بر ایران تن از رفقای ما را به بند کشیدند ، صدها تن را در خیابان ها به قتل رساندند و صدها تن را به جوخه اعدام سپردند. اما این سرکوب و وحشی گری پاسداران نظم سرمایه داری حاکم بر ایران نه قادر بوده و نه قادر خواهد بود که سازمان ما را از تلاش و مبارزه برای تحقق اهداف انسانی و طبقاتی خود بازدارد. بالعکس همانگونه که تجربه سرنگونی رژیم سلطنتی شاه نشان داد ، این مرتجعین هستند که سرانجام توسط توده های زحمتکش مردم به زیر کشیده می شوند. جمهوری اسلامی نیز سرنوشتی جز رژیم شاه نخواهد داشت. در ۲۵ اسفند ، ما بار دیگر اعلام می کنیم که مصمانه راه جانباخته گان فدائی را در دفاع از منافع طبقه کارگر ، مبارزه برای سرنگونی نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه ای بدون طبقات ، بدون استثمار و ستم ادامه خواهیم داد.

به بهانه ۸ مارس

جنبش زنان ، دمکراسی و سوسیالیسم (۲) صفحه ۴

به مناسبت ۸ مارس ، روز جهانی زن

((جهانی شدن سرمایه)) و وضعیت زنان

مقاله ای که در زیر می خوانید ترجمه ای است از هفته نامه چپهای سبز ارگان حزب چپهای سبز استرالیا ، ۱۷ فوریه. زمانی در اوائل قرن گذشته ، کشورهای بزرگ سرمایه داری ابائی نداشتند که خود را امپریالیسم بخوانند. آنها خود را ناجی میلیونها نفر مردم کشورهای تحت اسارت خود جا می زدند و بسط و گسترش نفوذ خود

را " تمدن " به این کشورها خوانده و به این ترتیب توده ها را فریب داده و ماهیت روابط چپاولگرانه خود را از دید آنها پنهان می کردند. آغاز جنگ جهانی اول اما چهره واقعی و کریه امپریالیستها را عیان نمود و زمانی که زمین زیر پای بورژوازی جهانی با غرش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و پیروزی بلشویکها ۱۰ روز به لرزه در آمده و سپس

صفحه ۸

آغازی نو !

ضرورت غلبه بر پراکندگی چپها و کمونیستها و ایجاد یک قطب چپ رادیکال ، به ویژه در سالهای اخیر که گروه بندیهای طبقاتی تیزتر و صیقل یافته تر شده است و "چپ های لیبرال" و رفرمیست بیش از پیش به سمت بورژوازی گرایش پیدا کرده اند ، به مشغله فکری و عملی بسیاری از چپ های رادیکال تبدیل شده است. گرایش عمومی در میان کمونیست ها و نیروهای چپ رادیکال که از انقلاب و مطالبات طبقه کارگر دفاع می کنند ، ناظر بر این خواست و تلاش است که با سازماندهی نوعی اتحاد و ائتلاف میان خود ، چپ را از آنچه که امروز هست ، به یک نیروی مداخله گر

صفحه ۳

اعتصابات گسترده کارگران کره جنوبی

صفحه ۶

در این شماره

پیام های رسیده به سازمان

به مناسبت بزرگداشت سیاهل ۶ و ۷

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان ۲

اخباری از ایران ۵

اخبار کارگری جهان ۴

گسترش مبارزات و

اعتلاء جنبش های توده ای

و اسناداریها، وزارت کار، وزارت صنایع، دفتر رئیس جمهور و غیره دست به تجمع، تحسن و تظاهرات زدند. مبارزات کارگران این کارخانه ها هرچند که اغلب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا انجام گرفت، اما خصلتی سیاسی داشت.

دربیشترین موارد، کارگران در مقابل اخراج و بسته شدن کارخانه رو در روی دولت قرار گرفتند، حتی در آنجائی که مطالبات خالص اقتصادی مطرح بوده است، هنگامی که کارگران مبارزه خود را به خارج از کارخانه کشانده و بابتن جاده، راهپیمائی، تجمع و تظاهرات در خیابانها با دولت و نیروی سرکوب آن روبرو بوده اند، این مبارزه خصلتی سیاسی به خود گرفته است. علاوه بر این، در برخی از کارخانه ها و موسسات، کارگران در برابر دولت و سیاستهای اقتصادی آن از جمله خصوصی سازی ایستادند و خواهان اخراج و تعویض مدیران شدند.

اعتصاب ۷ روزه ۲۰۰۰ کارگر ماشین سازی تبریز، اعتصاب، تحسن و تظاهرات ۸۰۰ تن از کارگران شرکت ملی حفاری نمونه ای از این اعتراضات بود. اما مبارزات مردم ایران در همین حد خلاصه نشد. کارگران، زحمتکشان و تهیدستان شهرک های حاشیه شهرهای بزرگ نیز در چند مورد طغیانهای شورش داشتند. جنبش اعتراضی تهیدستان شهرک شاتره در تیرماه که اکثریت آنرا زنان تشکیل می دادند، با حمله به مراکز دولتی، سنگر بندی، بستن جاده ها، و درگیری با نیروهای سرکوب پلیس و امنیتی همراه بود.

در تعدادی از شهرها نظیر مشهد، اصفهان، آبادان، لامرد، تهران، پیرانشهر و دیگر شهرهای کردستان از جمله سنندج، اعتراضات و تظاهرات توده ای همراه با درگیری و زد و خورد با نیروهای سرکوب صورت گرفت و دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور در این یکسال همواره در حال اعتراض و مبارزه، اعتصاب، تحسن و تجمع بوده اند. در چند ماه اخیر معلمین نیز به مبارزه علنی و مستقیم روی آورده اند. زنان که تحت حکومت اسلامی زیر شدیدترین فشارهای غیرانسانی قرار دارند، در تمام جنبش های اعتراضی یکسال گذشته نقشی فعال داشته

اند. رودروئی جوانان با نیروهای سرکوب دائما افزایش یافته است. آنها از هرفرصتی خواه مسابقات ورزشی باشد یا مراسم جشن های عمومی استفاده کرده و آن را به وسیله ای برای مخالفت با رژیم و درهم شکستن اقتدار نیروهای سرکوبش تبدیل کرده اند. اکنون جوانان، علنا در برابر زور گویی مزدوران پلیس و بسیجی می ایستند. در یکسال گذشته در موارد متعدد این جوانان با مزدوران بسیج درگیر شده، آنها را کتک زده و حتی به قتل رسانده اند.

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ سوم اسفند ماه اطلاعیه ای تحت عنوان «تظاهرات در سنندج» انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که مردم سنندج روز دوم اسفند در ساعت ۵ بعد از ظهر دست به راهپیمائی از مقابل زندان در خیابان اکباتان زدند و تظاهرات خود را تا مرکز شهر ادامه دادند. پلیس تظاهرات آرام مردم را مورد حمله قرار داد و حتی دست به تیراندازی به سوی مردم زد. این راهپیمائی و تظاهرات به مناسبت سالگرد سوم اسفند صورت گرفت که دو سال پیش، جمهوری اسلامی مردم را به گلوله بست، تعدادی کشته و تعدادی زخمی شدند.

۴ اسفند اطلاعیه «اولتیماتوم دولت به معلمین» خبر از اقدامات سرکوبگرانه جدید رژیم علیه معلمین داد. در پی اعتراضات معلمین در چند ماه گذشته که منجر به دستگیری تعدادی از فعالین آنها شد، معلمین قم که خواهان افزایش حقوق و مزایای خود هستند، قصد داشتند دست به یک اعتصاب عمومی در استان قم بزنند. شورای تامین استان قم، طی تصمیمی «هرگونه تجمع یا اعلام تعطیلی کلاسهای درس را ممنوع اعلام نمود» و تهدید کرد که «با عاملین و مسببین توسط مقامات ذیصلاح برخورد خواهد شد».

در ۴ اسفند اطلاعیه ای تحت عنوان «اجتماع کارگران چیت ری جلو کارخانه» منتشر گردید. در این اطلاعیه آمده است که صدها تن از کارگران کارخانه چیت ری که چهارماه است حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده است از روز گذشته در جلو کارخانه تجمع نمودند. اطلاعیه می افزاید که این دومین بار است که کارگران چیت ری دست به تجمع و تحسن زده اند.

۱۴ اسفند کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان برای چندمین بار دست به اعتراض زدند. اطلاعیه ای که در ۱۵ اسفند انتشار یافت خبر از درگیری پلیس با کارگران و دستگیری ۲۵ تن را داد. در این اطلاعیه گفته شده است که صدها تن از کارگران کارخانه سیمین در پی اعتراضات چند ماه گذشته روز ۱۴ اسفند در خیابانهای رودکی، دقیقی، شریعتی دست به راهپیمائی زدند و به سوی مرکز شهر حرکت نمودند. پلیس ضد شورش کارگران را مورد حمله قرار داد. تعدادی زخمی و ۲۵ تن دستگیر شدند. کارگران کارخانه سیمین اصفهان که تعدادشان به ۱۵۰۰ تن می رسد حدود ۱۴ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. اطلاعیه سازمان ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه پلیس علیه کارگران، خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه کارگران شده است.

بیانیه سازمان به مناسبت ۸ مارس انتشار یافت.

در این بیانیه با اشاره به ستمی که از هنگام پیدایش جامعه طبقاتی بر زنان اعمال شده است، روند مبارزه زنان از هنگام پیدایش جامعه سرمایه داری علیه تبعیض و نابرابری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «در ۱۹۱۰ به ابتکار کارلار زتکین، کنفرانس زنان سوسیالیست به عنوان همبستگی با مطالبات زنان سوسیالیست آمریکا، روز ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمود. این ابتکار که مورد حمایت و پشتیبانی احزاب سوسیالیست و اتحادیه های کارگری قرار گرفت، منجر به یک رشته تظاهرات گسترده در تعدادی از پیشرفته ترین کشورهای جهان با مطالبه حقوق سیاسی و برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد گردید. بورژوازی که تا مدتها از پذیرش این مطالبات سربازمی زد، سرانجام زیر فشار جنبش زنان و جنبش جهانی کارگری، در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری ناگزیر شد که برابری حقوق زن و مرد را رسماً و قانوناً به پذیرد. هرچند تا زمانی که این برابری حقوقی تبدیل به یک برابری واقعی در جامعه سوسیالیستی گردد، راهی دراز در پیش است، اما تا همین جا نیز این یک پیروزی بزرگ برای زنان است.» سپس با اشاره به کشورهایی که در آنها ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان لگد مال شده است، بیانیه چنین ادامه می دهد: «در ایران، رژیم فوق ارتجاعی برقرار است که زنان را در معرض وحشیانه ترین فشار، سرکوب و ستم قرارداده است و آنها را حتی از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است. این رژیم رسوا در پایمال کردن حقوق زنان تا آنجا پیش رفته که در قوانین خود به این نابرابری و تبعیض رسمیت داده است.»

در پایان این بیانیه با تبریک ۸ مارس به زنان تحت ستم و همه کسانی که برای حقوق زن و مرد مبارزه می کنند، گفته شده است که سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان برافتادن هرگونه ستم و تبعیض علیه زنان و به رسمیت شناخته شدن بی قید و شرط برابری حقوق زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی و سیاسی است.

این اشکال بس متنوع مبارزه و گسترش روز افزون آنها، بازتاب این واقعیت است که مردم دیگر نمی توانند وضع موجود را تحمل کنند. این مبارزه ای برای تعیین تکلیف قطعی با رژیم است.

بدون تردید اگر هم اکنون، هم پای رشد شرایط عینی، شرایط ذهنی لازم وجود می داشت، مبارزات میلیونها تن از توده های مردم که جانانشان به لب رسیده است، در مرحله ای بسی عالی تر و فراتر از مرحله کنونی قرار می داشت. نقطه ضعف مبارزات

کنونی توده های مردم که تا همین حالا به رژیم امکان ادامه حیات داده است، پراکندگی این مبارزات و فقدان یک رهبری انقلابی است. اما با وجود این ضعف، از آنجائی که رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند به مطالبات مردم پاسخ دهد و این بحران را مهار و کنترل نماید، مبارزات گسترش و اعتلاء بیشتری خواهند یافت و این جنبش زیر فشار شرایط عینی از این مرحله فراتر خواهد رفت. سال جدید این واقعیت را آشکار خواهد ساخت.

آغازی نو !

مطرح شد. رفقای چریکهای فدائی خلق ایران بعد از خارج از جلسه مطرح کردند عجالتاً از انتشار بیرونی فراخوان خودداری شود. این رفقا منتظر بودند ببینند اتحاد فدائیان کمونیست، پس از طرح انتقادات، اتحاد عمل خود با حزب توده و اکثریت را که هنوز یک هفته به برگزاری آن مانده بود، لغو میکند یا نه؟ به عبارت دیگر این رفقا امضاء فراخوان را که در جلسه رسمی هم روی متن فراخوان، هم روی انتشار بیرونی آن وهم روی سایر تصمیمات مشارکت و توافق کرده بودند، به لغو اتحاد عمل اتحاد فدائیان کمونیست با جریانات فوق الذکر مشروط می کردند. سرانجام وقتی که یک هفته گذشت و این اتحاد عمل هم لغو نشد، رفقای چریکهای فدائی خلق هم انصراف خود از امضاء فراخوان را اعلام نمودند. بدیهی است که اقدام اتحاد فدائیان کمونیست مطلقاً اقدام غیرقابل دفاع و ضربه زنده ای بود که شدیداً مورد اعتراض و مورد سؤال و مورد انتقاد بود، اما این موضوع جای برخورد خود را داشت و نمی بایستی مسائل را با هم قاطی کرد و یا کار را به پایکوت این جریان که هنوز موضع رسمی کل تشکیلات آن اعلام نشده بود کشاند. مضافاً این که این رفقا موضوعی را که به این درجه برایشان مهم بود که می توانست به بهاء انصراف از شرکت در فراخوان تمام شود، ولو آنکه انصراف از امضاء فراخوان به معنی توقف مشارکت این رفقا در پروسه برپائی اتحاد سیاسی نباشد، لاقلاً ما امیدواریم که چنین نباشد. معهذاً می بایستی آنرا در جلسه رسمی مطرح می کردند چه بسا در آن صورت جمع می توانست برای آن راهحلی پیدا کند! در هر حال اما این موضوع خیلی روشن است که سیاست اتحاد و همکاری با جریانات فوق الذکر و راست، سیاست مطلقاً غلطی است که نه فقط مرزهای انقلاب و ضد انقلاب را درهم می ریزد، بلکه عملاً براه اقدامات و جنایات این نوکران بورژوازی و همکاران جمهوری اسلامی علیه کمونیست ها و انقلابیون، علیه کارگران و زحمتکشان و علیه خلقها، سرپوش می گذارد. روشن است که همزمان با نقد جدی این سیاست، باید بر نقل همکاری و همگامی میان چپها و کمونیستها افزود و مجدانه در جهت غلبه بر پراکندگی چپها و پاسخگویی به این ضرورت مبرم تلاش نمود. کوششهای مختلفی که تا کنون از سوی سازمانها، محافل و افراد چپ و سوسیالیست در این راستا به عمل آمده است، بی هیچ شبهه ای کوششهای ارزشمند و درخور همیتی هستند، با این همه، اینها همه هنوز در حکم مقدمات است. مقدماتی که می رود تا با مشارکت هر چه وسیع تر نیروهای چپ و رادیکال یک نقطه شروع و آغازی نو را پایه گذاری کند!

تصحیح و پوزش :

در کار شماره ۳۴۹ صفحه ۸ مقاله جمهوری اسلامی رسالتی جز تشدید مصائب اجتماعی ندارد، ستون اول سطر دوم از پایین : کلمه اسلامی بعد از جمهوری جا افتاده که بدین وسیله تصحیح می گردد.

بوجود آمدن مشکلاتی غیرمنتظره ناچارند در یک جلسه اضطراری شرکت کنند که تاریخ آن همزمان بود با تاریخ برگزاری جلسه در دعوت نامه ما، لذا از شرکت در آن خودداری کردند. بهر رو در این اجلاس چهار جانبه، همه طرفها روی تمرکز و تجمع نیروها و ضرورت پایان دادن به پراکندگی چپها و کمونیستها توافق داشتند. در مورد پلانفرم سیاسی نیز بعد از بحث و تبادل نظر، جمع، روی سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین بوروکراتیک - نظامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان به توافق رسیدند. لازم به ذکر است آنچه را که ما بعنوان بدیل حکومت اسلامی مطرح نموده و از آن دفاع کردیم (و می کنیم) حکومت شورائی و یا دولت شورائی است. اما برای تامین نظر همه طرفها، جمع، روی حکومت کارگران و زحمتکشان توافق نمود. در این اجلاس همچنین تاکید شد که هدف نشست، اتحاد تشکیلاتی نیروها و یا اتحاد حزبی نیست، بلکه یک اتحاد سیاسی است. دومین اجلاس چهار جانبه در ژانویه دوهزار و یک برگزار گردید که در ادامه بحثهای پیشین، روی چشم انداز بلوک چپ انقلابی، اتحاد عمل سازمانها و نیز نقش و موقعیت سازمان ما در بلوک چپ انقلابی و بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در مورد چشم انداز بلوک چپ انقلابی نظرات متفاوتی وجود داشت. یک نظر مطرح می کرد که شرایط عینی تشکیل چنین بلوکی موجود نیست و چشم اندازی روی شکل گیری و دوام آن نداشت. این نظر که به طور مشخص یک جریان آنرا مطرح می کرد، مقدمات اتحاد عمل سازمانها را پیشنهاد میکرد که بحث اتحاد عمل سازمانها نیز به جمع بندی نرسید. همچنین یک رشته بحثهای مقدماتی پیرامون ساختار تشکیلاتی بلوک چپ، اصول و ضوابط حاکم بر آن، نقش و موقعیت سازمانها و افراد و نظیر آن به عمل آمد که ظبعاً بحث مشروح و اصلی و نتیجه گیری آن به نشست و فراخوان جمعی واگذار شد. در این اجلاس همچنین توافقاتی در زمینه تدارک سیاسی نظری نشست وسیع، انتخاب یک هیئت نمایندگی و پاره ای مسائل فنی نیز به عمل آمد. جلسه بیشترین وقت خود را عملاً صرف تهیه و تدقیق متن فراخوان نمود، به نحوی که متن نهائی نظر همه طرفها را تامین کرده باشد. جلسه با توافق همه طرفها، تصمیم گرفت متن فراخوان پس از ادیت و تایپ انتشار بیرونی پیدا کند اما انتشار علنی فراخوان عملاً حدود یک هفته عقب افتاد. موضوع از این قرار بود که اتحاد فدائیان کمونیست، واحد هلند، به همراه چند جریان دیگر منجمله حزب توده و اکثریت پای یک اتحاد عمل رفته و فراخوان مشترکی را امضاء کرده بود. این موضوع البته مورد انتقاد شدید چریکهای فدائی خلق ایران، هسته اقلیت و سازمان ما قرار داشت و این انتقادات نیز در پایان و بعد از اتمام جلسه چهار جانبه، با حضور جمع به رفقای اتحاد فدائیان کمونیست

و فعال در جنبش انقلابی و در مبارزه طبقاتی برای نابودی نظم موجود تبدیل کنند. در چارچوب این تلاش های عمومی حدود یک سال و نیم قبل و پس از آنکه کنفرانس هفتم سازمان، تلاش برای برپائی بلوک چپ انقلابی را، یکی از مبرم ترین وظائف سیاسی سازمان اعلام نمود، تشکیلات مانیز با تمام امکانات و وسائل، تلاش خود را جهت تبلیغ بلوک چپ انقلابی و ایجاد آلترناتیو حکومت شورائی آغاز کرد. قبل از هر چیز ما به مشورت با سایر نیروهای چپ و کمونیست پرداختیم و این ایده را با جریاناتی که فکر می کردیم از موضع چپ رادیکال و انقلابی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، داغان کردن ماشین بوروکراتیک نظامی و استقرار دولت جدیدی از نوع کمون و شوراها هستند، در میان گذاشتیم. پروسه تلاش ما برای بحث و تبادل نظر و دامن زدن به ضرورت برپائی یک ائتلاف پایدار سیاسی از کمونیست ها و نیروهای چپ رادیکال و انقلابی، چه در سطح سازمان های چپ و انقلابی و چه به ویژه در پائین و از طریق برگزاری اجلاس ها، سخنرانی ها و ارتباط و تماس با نیروهای فعال منفرد، علی - العموم همه جا حاکی از آمادگی جهت گام نهادن در مسیری بود که هدفش ایجاد اتحاد و یا ائتلافی از کمونیستها و نیروهای چپ و انقلابی بود که بتواند در فعل و انفعالات سیاسی موجود و آینده، نقش فعال و مداخله گرانه ای ایفا کند. بنابراین تبدیل چپ پراکنده و متفرق، به چپی متشکل و اثرگذار در تحولات جاری، فقط خواست ما نبود. سایر جریان ها و افراد نیز هر یک به نحوی در پی پاسخ گویی به این ضرورت بودند. تلاش های دیگری نیز که در همین راستا از سوی محافل، نیروها و عناصر فعال چپ آغاز شد، همگی حاکی از یک ضرورت و کوشش برای پاسخگویی به آن بوده است. با این همه ناگفته روشن است که چگونگی برپائی چنین ائتلاف و بلوکی از کمونیستها و چپ های انقلابی، مستلزم بحث های دقیق و تصمیمات و توافقات جمع وسیع تری است. از این رو جریاناتی که روی این پروژه به توافقات اولیه رسیده بودند و روی چارچوب های کلی پلانفرم سیاسی آن در اساس توافق داشتند، با برگزاری یک اجلاس مشورتی این طرح را از جنبه های مختلفی مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند، با این هدف که بتوانند برگزاری یک نشست وسیعی را از نیروهای فعال چپ اعم از کسانی که در سازمانها و احزاب چپ موجود فعالیت تشکیلاتی دارند و یا سایر فعالین چپی که منفرد هستند، متقفا تدارک ببینند. نخستین جلسه مشورتی، با شرکت اتحاد فدائیان کمونیست، چریکهای فدائی خلق ایران، هسته اقلیت و سازمان ما در اوسط اکتبر دوهزار برگزار گردید. لازم به ذکر است که رفقای حزب کمونیست ایران نیز به این جلسه دعوت شده بودند و این رفقا هم موافقت خود را برای شرکت در آن اعلام کرده بودند، اما یک هفته مانده به برگزاری اجلاس، طی نامه ای که در آن اعلام شده بود به علت



به بهانه ۸ مارس (۲)

جنبش زنان، دمکراسی و سوسیالیسم

تحت فشار جنبش زنان، تعدادی از نمایندگان دوقرادی طرح‌هایی در رابطه با مسائلی از قبیل عسروجرج، سن قانونی ازدواج، اعزام دانشجویان دختر به خارج را در مجلس طرح کردند و تمام این طرح‌ها نیز پس از تصویب در مجلس، توسط شورای نگهبان رد شد. اما با این حال زنان و در وهله اول زنان جوان نقش فعالی در انتخابات ریاست جمهوری ایفا نمودند. با اعلام نتیجه ریاست جمهوری در شهرهای بزرگ و خصوصاً تهران در برخی از نقاط شهر جوانان به رقص و پایکوبی پرداختند و دختران جوان حجاب اسلامی‌شان را برداشتند. برداشتن حجاب اسلامی توسط این زنان جوان بیانگر چه چیزی بود؟ آیا آنها پیروزی‌شان بر ولی فقیه را جشن می‌گرفتند؟ آیا می‌پنداشتند که ریاست جمهوری خاتمی به معنای پایان یافتن سرکوب زنان و تحقق مطالبات آنان از جمله آزادی پوشش است؟ آیا می‌خواستند به خاتمی بفرمایند که هدف آنان از شرکت در انتخابات نه رای دادن به او، بلکه لغو مقررات اسلامی از جمله حجاب اجباری بوده است؟

تعابیر مختلفی می‌توان از این حرکت داشت و درست به همین دلیل حجاب برگرفتن تعدادی از زنان در روز اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند به طور سمبلیک بازتاب دهنده روحیات، تمایلات و انتظارات زنان در این دوره باشد، با همه نقاط تاریک و روشن آن، با همه ابهامات و سایه روشن‌ها. بهرحال دوره بعد از دو خرداد ابتدا دوره انتظار است. انتظار اینکه رئیس جمهور و

صفحه ۵

از سال ۷۶ به بعد رفته رفته روحیه خمودگی و سرخوردگی غالب بر جامعه رنگ می‌بازد. جلوه‌هایی از طراوت و شادابی در زندگی مردم بروز می‌کند. کم کم اعتماد به نفس سرکوب شده مردم احیاء می‌شود. توده مردمی که سال‌ها سرکوب شده اند و حقوق اولیه‌شان لگد مال گشته است، می‌بینند که با اراده خود در مقابل ریاست جمهوری ناطق نوری سد ایجاد کرده اند و به این ترتیب توده‌نی محکمی به خامنه‌ای به مثابه سمبل این نظام ارتجاعی و واپسگرا زده‌اند. اما در آن مقطع، توده‌ای که آرام آرام به مبارزه برای تحقق حقوق دمکراتیکش برمی‌خیزد، هنوز برای رو در روی مستقیم با کل حکومت آماده نیست. روی دیگر سکه نه به ناطق نوری، بر کرسی ریاست جمهوری نشان دادن خاتمی است. زنان و جوانانی که به او رای داده بودند، حال در انتظار بودند رئیس جمهور جدید خواست‌هایشان را پاسخ بگوید. این نکته جالب توجه است که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، خاتمی توجه چندانی به مسائل زنان نشان نداد. اگر در زمینه‌های دیگر او می‌توانست با شعارهای کلی و عوام‌فریبانه، وعده بهبود اوضاع را بدهد، اما مسئله زنان "خطرناک‌تر" از آن بود که او بتواند در این عرصه وارد بازی شود. خاتمی تمام چیزی که در ارتباط با زنان مطرح کرد، تکرار حرف‌های سایر سران رژیم بود. در مورد پیشرفت‌هایی که گویا با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در وضعیت زنان ایجاد شده، و خواست برخورد "قانونی" به تخلفات زنان از قوانین اسلامی. تنها مدتها پس از ریاست جمهوری او بود که

موتورز در انگلستان منجر شده است. با تعطیل این کارخانه کلیه ۲۰۰۰ کارگران به صفوف بیکاران پیوسته و از همین رو تعطیلی این کارخانه با اعتراضات مردم شهر Luton همراه شده است. روز ۱۷ فوریه، هزاران نفر از اهالی شهر به خیابان‌ها آمده و به این تصمیم جنرال مدتورز اعتراض نمودند.

* اعتصاب کارگران و کارکنان شهرداری هکنی لندن

قریب به ۴۰۰۰ کارگر عضو اتحادیه همصدا در فوریه سال جاری اعتصاب سه روزه ای را علیه کاهش خدمات و خطر اخراج بخشی از کارکنان برپا داشتند.

* اعتصاب پیروزمندان هزاران کارگر و کارکنان شهرداری در اسکاتلند

کلیه کارکنان شهرداری اسکاتلند که عضو

* اعتصاب کارگران جنرال موتورز

روز ۱۲ فوریه، ۴۰ هزار تن از کارگران کارخانه اتومبیل سازی جنرال موتورز در اعتراض به اعلام خبر تعطیل یکی از کارخانجات، در شعبات مختلف اروپایی به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند.

* مجارستان:

اعتصاب کارگران خطوط هواپیمایی

روز ۵ فوریه صدها کارگر تعمیرات خطوط هواپیمایی دولتی Malev در اعتراض به خصوصی شدن این بخش، پائین بودن دستمزد ها و فقدان امنیت شغلی دست از کار کشیدند. کارگران خواهان ۱۵ درصد اضافه دستمزد شدند. اعتصابیون همچنین خواهان اخراج کلیه مدیران این شرکت می‌باشند. کار فرمایان به منظور مقابله با اعتصاب، تلاش نمودند بخشی از کار اعتصابیون را توسط کارگران دیگر خطوط هوایی در اتریش انجام دهند، اما کارگران اتریشی به نشانه همبستگی با اعتصابیون مجار، از انجام هر گونه سفارش این شرکت هوایی خودداری نمودند. مقاومت کارگران مجار و همبستگی کارگران اتریشی سرانجام منجر به پایان موفقیت آمیز اعتصاب گردید. با پذیرش افزایش دستمزدها به میزان ۱۰ درصد و تغییر مدیران فعلی، ۸۵۰ کارگر اعتصابی به حرکت خود پایان دادند.

* اعتصاب هزاران کارگر کارخانجات اتومبیل سازی در انگلستان

روز ۲۲ فوریه هزاران تن از کارگران دو کارخانه اتومبیل سازی متعلق به شرکت جنرال موتورز در شهرهای Ellesmereport و Luton دست به یک اعتصاب سه روزه زدند. این اعتصاب در اعتراض به تصمیم این شرکت مبنی بر تعطیل کارخانه این کمپانی در شهر Luton بود. اکنون چندین کارخانه اتومبیل سازی در کره جنوبی در آستانه ورشکستگی قرار داشته و کمپانی‌های عظیم اتومبیل سازی در کشورهای غربی قصد دارند با خرید این کارخانه‌ها بخش وسیعی از تولید قطعات بدکی و مونتاژ اتومبیل را با کار ارزان کارگران کره ای انجام دهند، همین امر به تعطیل کارخانجات جنرال

اتحادیه همصدا هستند، طی یک اعتصاب سه روزه خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۵ درصد و همچنین افزایش حداقل دستمزد به ساعتی ۵ پوند شدند. به دنبال اعتصاب کارگران، سرانجام دولت مجبور به پذیرش افزایش دستمزدها به میزان ۱۴/۱ درصد طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ شد.

* اعتصاب کارگران راه آهن لندن در اعتراض به عدم ایمنی محیط کار

هزاران تن از کارگران راه آهن لندن که در متروی لندن کار می‌کنند، در پشتیبانی از اعتصاب رانندگان قطار ASLEF روز ۵ فوریه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به شرایط کار و عدم ایمنی در محیط کار بود. شرکت‌های خصوصی راه آهن با عدم رعایت ضوابط ایمنی راه‌های آهن و قطارها، موجب بروز چند تصادم دلخراش شده و جان کارگران و مسافران را به خطر انداخته اند.

اخاری از ایران

* اعتصاب در چیت ری

روز سه شنبه دوم اسفند، کارگران چیت ری، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند و با تجمع در برابر این واحد، اقدام به مسدود ساختن جاده "شهید رجائی" کردند. قابل ذکر است که این کارخانه قبلاً زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار داشت و از مدتی پیش به بخش خصوصی واگذاشته شده است که در حال حاضر بیش از سه ماه است حقوق و مزایای حدود ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه پرداخت نشده است. کارگران خواهان حقوق های معوقه و ضمانت شغلی هستند.

* نامه اعتراضی کارگران سد

بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارگاه سد سلمان فارسی قیر، با ارسال یک نامه اعتراضی برای استاندار فارس، نسبت به عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود اعتراض کردند. در این نامه، کارگران خواستار حقوق های عقب افتاده و ضمانت شغلی شده اند.

* نامه اعتراضی کارگران شرکت آب

کارگران شرکت سهامی آب منطقه ای کرمان در یک نامه اعتراضی که برای کارو کارگر نیز فرستادند، نسبت به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی هشدار دادند. وزارت نیرو در بخشنامه ای اعلام نموده که این شرکت به بخش خصوصی واگذاری شود. اجرای این تصمیم بدون شک به اخراج شمار زیادی از کارگران منجر خواهد شد. کارگران ضمن ابراز نگرانی نسبت به این موضوع، خواهان لغو این تصمیم اند.

* اعتصاب کارکنان بیمارستان

جمع زیادی از کارکنان بیمارستان طالقانی، بعد از ظهر روز ۱۸ بهمن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان خواستار افزایش حقوق و پاره ای مسائل صنفی دیگر هستند.

* محبوب گفت در حال حاضر ۱۲۰۰ واحد تولیدی در معرض تعطیلی اند او گفت اگر واحد هایی که در حال حاضر نیمه تعطیل هستند، تعطیل شوند، ۷۵ هزار نفر بیکار می شوند.

به بهانه ۸ مارس

جنبش زنان، دمکراسی و سوسیالیسم (۲)

زن به جرم دفاع از آزادی اندیشه و زیر پا گذاشتن مرزهای مجاز جمهوری اسلامی به زندان افتاده و یا هم اکنون در زندان به سر می برند. نکته بسیار برجسته، نقش زنان کارگردان اعتراضات، تظاهراتها و تحصن های کارگری است. علی رغم فشارهایی که در محیط کار برای جدا سازی زنان و منزوی ساختن آنها وجود دارد، علیرغم آنکه فواین و مقررات اسلامی صدها مانع ایجاد می کنند تا زنان نتوانند در امور مربوط به محیط کار نقش فعال داشته باشند و علیرغم این که فرهنگ و سنن ارتجاعی سبب می شود زنان کارگر در موارد بسیاری از سوی همکاران مردشان نیز به بازی گرفته نشوند و برای مشارکت شان در امور مربوط به کار و کارخانه مانع تراشی شود، اما تا همین سطح کنونی مبارزات کارگری که عموماً حرکات منفرد و برای کسب مطالبات معوقه است، حضور زنان کارگر در حرکات بارز و امید بخش است. بنابراین تا آنجا که مسئله حضور زنان در مبارزات افسار گوناگون مطرح است، حضور زنان کاملاً آشکار، فعال و در مواردی تعیین کننده است. مسئله این است که زنان چگونه می توانند در عین شرکت فعال در جنبش های طبقاتی و اجتماعی که به آن تعلق دارند، مطالبات خود به عنوان زن را نیز تحقق بخشند؟

زن کارگری که در کنار مردان کارگر نیروی فعال اعتراضات کارگری است، اولاً به دلیل جنسیت اش در محیط کار خواست هایی دارد از جمله دستمزد مساوی در برابر کارمساوی، مهد کودک، طولانی شدن مرخصی زایمان و ثانیاً او از برابری حقوقی بی بهره است. ثالثاً او به عنوان زن در محیط کار سرکوب می شود. شوهرش که به ظن قوی کارگر نیز هست، می تواند همسر دیگری اختیار کند، می تواند او را طلاق دهد، رهایش کند و فرزندان اش را بگیرد. این زن در محیط خانه به دلیل اینکه قوانین اسلامی و فرهنگ مسلط جامعه او را فرو دست قلمداد می کنند و قدرت و اختیار زیادی برای شوهرش قائل اند، ممکن است کتک بخورد، تحقیر شود، جزئی ترین مسائل زندگی اش توسط شوهر تعیین شود، مورد تجاوز قرار گیرد و دهها مورد مشابه. این زن کارگر چگونه می تواند در عین شرکت فعال در مبارزاتی که عموم کارگران در آن ذینفع اند از حقوق خود به عنوان زن دفاع کند؟ اینجاست که رابطه جنبش زنان برای رهائی از ستم جنسی با سایر جنبشها و بالاخص جنبش کارگری طرح می شود.

(ادامه دارد)

کابینه جدید قدمی در راه انجام وعده های داده شده و برای بهبود اوضاع بردارد. اعتماد به نفس بیدار شده در افسار مختلف وبه ویژه زنان و جوانان کاملاً مشهود است، اما هنوز تا اقدام به مبارزه مستقل برای رسیدن به خواستها اندکی زمان لازم است. ابتدا می بایست رئیس جمهور و کابینه او سترونی شان را عریان می کردند، تا توده مردم ببینند که جزاتکاء به نیروی خود و جز حرکت مستقل چاره ای نیست. از آن زمان تا کنون گذشت هر روز با توهم زدائی از مردم نسبت به خاتمی، جبهه دوم خرداد و "اصلاح طلبان" همراه بوده است. مدت کوتاهی از عمر مجلس ششم هم کافی بود تا ذلت این مجلس و نمایندگانش در برابر رهبر حکومت، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت را عیان کند، و بی عملی محض "مجلس اصلاحات" ته مانده توهمات را بزاید. بنابراین در این دوران جنبش های ترقی خواهانه یکی پس از دیگری سربلند می کنند و هر چند حرکت شان هنوز در مراحل اولیه است، ولی فضای جامعه را کاملاً تحت تاثیر قرار داده اند و مجموعه شواهد نشان می دهد محتمل ترین چشم انداز، اعتلاء این جنبشها و بهم پیوستن آنها و ایجاد شرایط انقلابی در جامعه است. اما در فضای سیاسی دوره اخیر، در شرایط متحول کنونی که رفته رفته اقدام مستقل توده ای به وجه مشخصه آن تبدیل می شود، جایگاه جنبش زنان کجاست؟ این جنبش چه رابطه ای با سایر جنبش های آزادی خواهانه و عدالتجویانه دارد و مطالبات آن چگونه تحقق می یابد؟

در این دوره، زنان نیروی فعال جنبش های مختلفی بوده اند که دست یابی به مطالبات آزادی خواهانه و عدالتجویانه را در دستور کار خود قرار داده اند. جنبش دانشجویی که بارزترین حرکت آن در ۱۸ تیر ۷۷ در تهران و سایر شهرستانها شکل گرفت و با فریاد "۲۰ سال سکوت تمام شد" و "مرگ بر حکومت آخوندی"، پایان دوره سکون را اعلام نمود، از حضور فعال زنان دانشجو و زنان دیگری که به این حرکت پیوستند، نیرو گرفت. زنان از آغاز تا پایان این حرکت حضوری بسیار فعال و بارز داشتند. جنبش های تهیدستان در شهرک های اطراف تهران و سایر نقاط ایران، با حضوری بسیار فعال و بعضاً تعیین کننده زنان شکل گرفته اند و در مواردی نیروی پیشاهنگ و بخش عمده شرکت کنندگان در این حرکات اعتراضی زنان بوده اند. در جنبش روشنفکری برای آزادی بیان و قلم زنان نقش فعالی داشته اند، تعداد قابل توجهی روزنامه نگار و نویسنده

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

اعتصابات گسترده کارگران کره جنوبی

درآوردند و از ورود دیگرکارگران و خانواده های آنها که به نشانه همبستگی تلاش داشتند خود رابه جمع متحصنین برسانند، جلوگیری نمودند. روز بعد، تعداد کارگران در مقابل کارخانه افزایش یافت. همچنین کارگران فلز کار از دیگر کارخانجات به نشانه همبستگی با اعتصابیون دست ازکار کشیده و درمقابل این کارخانه تجمع نمودند. با افزایش کارگران درمقابل کارخانه و راهپیمائی کارگران متحصن در محوطه کارخانه، پلیس حمله وحشیانه خود به کارگران دربیرون ازکارخانه را آغاز نمود. کارگران با عزمی راسخ به مقابله با وحشیگری پلیس پرداختند و با پرتاب کوکتل مولوتف به حملات وحشیانه پلیس پاسخ گفتند و بالاخره تعدادی از کارگران و اعضاء خانواده آنها موفق شدند که به جمع متحصنین بپیوندند. مبارزه جوئی و عزم راسخ کارگران، که مقامات جنرال موتورز را به وحشت انداخته بود، موجب گردید که روز ۹ فوریه، ۳ روز پس از آغاز تحصن، مقامات دولت بیش از ۳۰۰۰ پلیس ضد شورش را گرد آورده و حمله نهائی خود را برای سرکوب تحصن از زمین و هوا آغاز نمایند. برغم مقاومت همه جانبه اعتصابیون و مقابله قهرمانانه شان، بعداز ظهر همانروز مجبور به ترک محل کارخانه شدند. پس از سرکوب وحشیانه متحصنین، کارگران دیگر کارخانجات Daewoo دراعتراض به اخراجها و وحشی گریهای پلیس دست از کارکشیدند. روز ۲۰ فوریه قریب به ۵ هزارنفر ازکارگران کارخانه های Changwan و Kunsan دست به یک رشته اعتصابهای موردی زدند. کارگران اعلام داشتند که تنها راه ادامه حیات آنها حفظ کارخانه است و حتی مرگ نیز آنها را از مبارزه باز نمی دارد.

وضعیت اقتصادی درکره جنوبی مجددا رو به وخامت نهاده است. تورم فاسار گسیخته مدام ارزش پول را کاهش داده و قیمت مایحتاج اولیه زندگی، دائم در حال افزایش است. نتیجه مستقیم وخامت روز افزون اوضاع اقتصادی، ورشکستگی و تعطیل کارخانه و موسسه عظیم تولیدی و اخراج دهها هزار کارگر می باشد. تنها در طول چند ماه اخیر، ۳ مجتمع عظیم اتومبیل سازی در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند. هرچند دولت برای حراست کارخانههایی که صاحبان آنها فراری هستند، اداره این کارخانهها را خود به عهده گرفته، اما راه حل قطعی آنها نیز چیزی جز خصوصی سازی فوری این کارخانجات نبود. یکی از این کارخانجات، کارخانه اتومبیل سازی مجتمع صنعتی Daewoo می باشد. تنها چند ماه پیش بود که چند شرکت عظیم ساختمانی متعلق به این مجتمع صنعتی خود را ورشکسته اعلام نمودند و در یک چشم برهم زدن ۲۱ هزار نفر اخراج شدند. اکنون کمپانی جنرال موتورز در پی خرید کارخانجات ورشکسته Daewoo می باشند. در همین راستا نزدیک به ۷۰۰۰ نفر از کارگران کارخانههای این مجتمع در نقاط مختلف کره جنوبی در شرف اخراجند. روز ۱۶ فوریه، کارگران کارخانه Daewoo واقع در Pupyong در جنوب غربی سئول، طعم تلخ اخراج و بیکاری را تجربه کردند. تنها در یک روز، ۱۷۵۰ نفر اخراج شدند. به دنبال این امر، ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه را به اشغال خود درآورده و دست به یک تحصن نامحدود زدند. آنها با شعار " کارخانه را به ما واگذار کنید " مخالفت خود را با تعطیل کارخانه به نمایش گذاردند. پس از این اقدام کارگران، ۸۰۰ مامورپلیس ضد شورش، کارخانه را به محاصره

باگسترش مبارزه علیه سرمایه و رژیم حامی آن جمهوری اسلامی، سالگرد انقلاب بهمن و حماسه سیاهکل راگرامی بداریم!

پیام سازمان
اتحاد فدائیان خلق ایران - آلمان

به تشکیلات خارج کشور
سازمان فدائیان (اقلیت)

سی امین سالگرد حماسه سیاهکل را در شرایطی برگزار می کنید که در ایران جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی هرروز اوج بیشتری میگیرد و میرود تا به حکومت دین درایران پایان ببخشد. اما اگرما کمونیست ها در جامعه این بار نیز بدون آلترناتیو جایگزینی و اتحاد در عمل، در این جنبش اعتراضی شرکت کنیم این جنبش همانند قیام ۲۲ بهمن سال ۵۷، یک جنبش کور باقی مانده و دوباره نیروها و احزاب و سازمان های طرفدار و حامی سرمایه داری رهبری این جنبش را به دست گرفته و آنرا به ناکجا آباد می کشانند. امروز مهمترین وظیفه ما کمونیستها ایران، شرکت عملی در مبارزات جاری درون جامعه می باشد. و در کنار آن ما کمونیستها باید در جهت ائتلاف های مشخص حرکت کنیم در شرایط امروز جامعه ما، اگر ما کمونیست ها نتوانیم یک حزب سیاسی - طبقاتی را پایه ریزی کنیم، باردیگر این فرصت تاریخی را از دست داده و سرمایه داری دوباره به سرکوب، کشتار، زندان، اعدام، تبعیض و شکنجه مردم ایران موفق خواهد شد.

پس رفقا: دست در دست هم داده و با جنبشی سازمان یافته علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران مبارزه کنیم. با گسترش مبارزه کمونیستی علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری ایران، انقلاب بهمن و حماسه سیاهکل راگرامی بداریم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد حکومت سوسیالیستی
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - آلمان
۲۰۰۱/۲/۹

به علت تراکم مطالب ادامه مقاله

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان

در شماره آینده نشریه

کار درج خواهد شد



کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

به سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت برگزاری سی امین سالگرد سیاهکل

رفقای گرامی،
۱۹ بهمن ۱۳۷۹، سی امین سالگرد سیاهکل و تاسیس سازمان فدائیان (اقلیت) راصمیمانه به شما تبریک می گوئیم. سی سال پیس، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شرایطی پا به عرصه مبارزه گذاشت که جامعه ایران بر اثر سرکوب و خفقان ستم شاهی از وجود یک سازمان پیشاهنگ توده های کارگر و زحمتکش محروم بود. بنیان گذاران سازمان با آگاهی به چنین وضعیتی، با رد نظریه های رفرمیستی که برجیش کارگری و کمونیستی ایران سایه انداخته بود، به مبارزه ای قدم گذاشتند که خود به دشواری آن کاملا آگاه بودند. خلافت این مبارزه بیش از هر چیز در آن بود که بنیان گذاران سازمان خود را به چارچوبهای تحلیلی ای که به تبعیت از قطب های جهانی در آن دوره حاکم بوده، مقید نکردند. در پی تغییر گسترده مبارزه طبقاتی در ایران توده های تحت ستم ایران برای تغییر وضع موجود به میدان مبارزه قدم گذاشتند و قیام ۲۲ بهمن را بوجود آوردند. اگرچه این تلاش توده ها به سرنگونی سلطنت و استبداد شاهی منجر گردید اما نتوانست خود را از زیر یوغ مناسبات حاکم برهاند و در نتیجه دچار حکومتی بغایت ارتجاعی و واپسگرا شد که طی ۲۳ سال حاکمیت ننگینش تا نتوانست جامعه و توده های مردم رابه قهقرا سوق داد و هرچنانیتی که ممکن بود در حق آنان روا داشت. این رژیم ناخواسته و متضاد زمان، زندان، شکنجه و چوپ دار و میدان های تیر و اعدام را مجددا برقرار کرد و قوانین ضد انسانی مذهبی قصاص و سنگسار و بریدن عضو بدن را با موجودیت خود گره زد. حال پس از ۲۳ سال، توده های مردم باردیگر با تجربه تلخی که جمهودی اسلامی بر تاریخ انقلاب در ایران گذاشته است، پای به میدان مبارزه برای تغییر وضع موجود گذاشته اند. اما، بیم از ظهور رژیم دیگری با سبک و سیاق حکومتی های کنونی ایران، برسیر مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی آنان سایه انداخته است. تنها زمانی توده ها اعتماد بنفس خود را باز خواهند یافت که برآنان مسلم شود بعد از جمهوری اسلامی در ایران، نیروهای با آنان همراه و همگام خواهند بود که دلسوز واقعی آنان هستند، خواهان حاکمیت آنان برسرنوشت خود و قدرت و توان تغییر بنیادین جامعه را به نفع آنان دارند. نیروهای چپ و انقلاب خواه چاره ندارند جز آنکه جایگزینی را که توده ای مردم به جای نظام حاکم می خواهند، با کار و تلاش بی وقفه سازمان دهند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)
۱۹ بهمن ۱۳۷۹

به سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت گرامیداشت حماسه سیاهکل

رفقا! فرارسیدن سالروز حماسه سیاهکل را به شما وهمه دوستدارانش شادباش میگوئیم!
سالروز سیاهکل، در شرایطی برگزار می شود که جامعه ایران، در تب و تاب یک رشته تحولات سیاس عمیق است. شرایطی که اعتراضات و مقاومت توده های مردم مدام گسترش می یابد و بن بست قدرت و شکاف جناح های رژیم نیز عمیق تر می شود.
" پروژه اصلاح طلبی " که طی چند سال گذشته بازار گرمی پیدا کرده بود، هم اکنون انجمادش آشکارتر شده و همه گرایشات در برگیرنده صف آرائی اصلاح طلب را در بن بست جدی قرار داده است. دوم خردادیه که مدعی پرچمداری اصلاحات در مدار بسته جمهوری اسلامی بوده و طی چند سال گذشته توانسته بودند بخش های وسیعی از گروه بندی ها، محافل و گرایشات مختلف اپوزیسیون بورژوازی را با وعده اصلاحات در بالا و دریافت قدرت سیاسی به دنبال خود بکشند، اکنون بی بضاعتی خود را بیشتر عیان نموده و حتی شکاف در بین آنها، این بخش از جمهوری اسلامی را دچار تنش های جدی نموده است.
چرخش فضای سیاسی در ایران، اما محدود به دنباله روی بخش های گوناگون بورژوازی از دوم خردادیه نبود! این شرایط بخشی از نیروهای مدعی سوسیالیسم و چپ را نیز چرخاند و دامنه این چرخش چنان بود که برخی از این نیروها و محافلی که پیش از همه سنگ دمکراسی را بر سینه می زدند، مردم ایران را فراخواندند که در انتخابات یکی از بدنام ترین رژیم های سیاسی معاصر شرکت کنند و البته گزینش دیگری جز دوم

خردادیها وجود نداشت! هرچند در این مورد مجبور به سکوت شدند!
هم اکنون سکه اصلاح طلبی از رونق افتاده است. چنین شرایطی زمینه رشد تحولات اجتماعی - سیاسی رادیکال را تقویت می کند و ضرورت مداخله نیروها، محافل و فعالین جنبش کمونیستی در تحولات آتی را بیشتر بیان می کند.
پیش شرط جدی چنین مداخله ای، اما، گام برداشتن بر بستریک افق سوسیالیستی روشن و همگرایی و همکاری فعالین کمونیست در این راستاست.
اگر از زاویه نقد تجارب گذشته به اوضاع کنونی نگاه کنیم، دستاورد مثبت سیاهکل همگونی رفتار و گفتار و انطباق حرف و عمل بود. و محدودیت اش اما، نداشتن یک چشم انداز روشن کمونیستی و نتیجه آن التقاط طبقاتی در مبارزه اجتماعی بود.
چپ کمونیست اگر بخواهد تجربه های گذشته را، دور بزند و همکاری بر اساس التقاط طبقاتی تحت نام بلوک، جبهه و یا هر نام دیگری را دو باره مینا قرار دهد، راه به جایی نخواهد برد.
از نظرها همکاری نیروها، محافل و فعالین متعلق به جنبش کمونیستی، در سامانه ای که چشم اندازش، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، دولت کارگری، دمکراسی شورایی و یک افق سوسیالیستی باشد، مناسبت ترین روش همکاری نیروها، افراد و محافل متعلق به جنبش کمونیستی است.
این نوع همکاری، بستر مناسبی است برای تاثیرگذاری در گشایش های سیاسی آتی در جامعه ایران.
هسته اقلیت - آلمان

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

((جهانی شدن سرمایه)) و وضعیت زنان

جمعیت جهان " حاکی از حقایق تکانهنده دیگری است. برطبق این گزارش تنها در طول سال گذشته، بیش از ۶۰ میلیون زن باردار فقط به دلیل دختر بودن کودک خود وادار به سقط جنین شده اند. ۱۳۰ میلیون زن مورد "ختنه" قرار گرفته و علاوه بر این شمار زنانی که قربانی قتل های "ناموسی" می شوند هر دم در حال افزایش است.
* " جهانی شدن سرمایه " در گام نخست بیکاری میلیونها زن رابه همراه داشته است. پی آمد این امر چیز دیگری جز افزایش وابستگی زنان به شوهران خود در چارچوب خانواده نبوده و در نتیجه راه مقاومت و مقابله با خشونت های فیزیکی و فشارهای روانی را که در چارچوب خانواده به آنها اعمال می شود، بیش از پیش دشوار ساخته است. عدم اطمینان به آینده و تداوم خطر روزانه از دست دادن کار و منبع درآمد خانواده، جو خانواده را به ضرر اعضا ضعیف تر یعنی زنان تغییر داده و وابستگی های خانوادگی را تشدید نموده است. قدرت یابی مجدد نهاد خانواده عامل دیگری برای انزوای بیشتر زنان جهان بوده است.

به ۶۰٪ کارهای جهان را انجام می دهند، اما تنها ۱۰٪ دستمزدهای پرداخت شده در جهان به زنان اختصاص دارد. حتی در بخش پیشرفته جهان سرمایه داری نیز دستمزد زنان ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از دستمزد مردانی است که کار مشابه انجام می دهند.
* افزایش فقر و رشد بیکاری در میان زنان، زمینه های رشد همه جانبه سوء استفاده های جنسی از آنان را تا به آن حد هموار ساخته که تا کنون بی سابقه بوده است. بنا برآمارهای منتشر شده توسط سازمان ملل، در حال حاضر بیش از ۴ میلیون زن در سراسر جهان یا از طریق ازدواج اجباری و یا خودفروشی مورد سوء استفاده جنسی قرار دارند. به ویژه بعد از فروپاشی بلوک شرق و اخراج سازی بی سابقه زنان، زنانی که از این کشورها برای خودفروشی به کشورهای غربی روانه می شوند، داما در حال افزایش اند.
* افزایش خشونت علیه زنان از دیگر نتایج " جهانی شدن سرمایه " بوده است. به گزارش سازمان یونیسف بین ۲۰٪ تا ۵۰٪ زنان جهان مورد خشونت های فیزیکی قرار دارند. * گزارش اخیر سازمان ملل تحت نام " وضعیت

نشریه کار

بیست و سومین سال انتشار خود را

با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان آغاز می‌کند

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

((جهانی شدن سرمایه)) و وضعیت زنان

پس لرزه‌های آن یک رشته انقلابات را در کشورهای مختلف جهان به همراه داشت، رهبران کشورهای امپریالیستی به سرعت دریافتند که امپریالیسم در میان توده‌ها افشاء شده و ادامه غارت و چپاول کشورهای تحت سلطه دیگر، تحت این نام امکان پذیر نخواهد بود و به ویژه با شکل گرفتن نوع جدیدی از دمکراسی در اتحاد شوروی، اینبار مشاطه گران نظم سرمایه نام امپریالیست را به "دمکراسیهای غرب" و "دمکراسیهای صنعتی" تغییر دادند. حال امپریالیست‌ها حضور چپاولگرانه خود را تحت عنوان "مبارزه علیه ارتجاع سرخ و کمونیستها" پیش می‌برند و هدف خود را "نجات" کشورهای جهان از خطر دیکتاتوری و استبداد عنوان نمودند. پس از فروپاشی کشورهای بلوک شرق، دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها غارت میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در سراسر جهان را "نظم نوین جهانی" خواندند و گسترش بلامنارغ و بی‌سابقه نفوذ سرمایه‌مالی به چهارگوشه جهان را "جهانی شدن سرمایه" نام دادند. اما مدت زمانی طولانی لازم نبود تا روشن گردد که این "جهانی شدن سرمایه" در واقع اسم رمز غارت و چپاول دسترنج میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تحت شرایط پس از جنگ سرد می‌باشد. "جهانی شدن سرمایه" چیز دیگری جز بیان ایدئولوژیک و عملی دور جدیدی از غارت و چپاول امپریالیستها نبود که خصلت‌نمای آن سرازیر شدن نجومی ثروت از سوی تمام کشورهای جهان به جیب امپریالیستها و خانه‌خرابی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در سراسر جهان بود. به لحاظ ایدئولوژیک مشاطه گران سرمایه تلاش کردند که کارگران را متقاعد سازند که افزایش ثروت تروتمندان به معنی رشد و تعالی کلی جامعه می‌باشد. در اینجا فرد گرایی و "داروینیسیم اجتماعی" تنها راه رسیدن به موفقیت و رفاه عنوان شده و نهاد خانواده یگانه وسیله تامین رفاه است. به

دیگرسخن اکنون گفته می‌شود که دولت هیچ نقشی در زمینه تامین رفاه عمومی نداشته و این وظیفه زنان است که تمام وظائف دولت را در محیط خانواده تامین نمایند. نگاهی به آمار و ارقام منتشر شده توسط نهادهای بورژوازی خود گویای واقعیت‌های موجود بوده و نشانگر وضعیت وخامت باری است که در سراسر کره‌ارض به میلیون‌ها زن تحمیل شده است.

* در سال ۱۹۹۳، کار خانگی و غیرمولد زنان جهان بالغ بر ۱۱ تریلیون دلار شد که ۳۰٪ تولید ناخالص ملی تمام کشور های جهان می‌باشد.

* در حال حاضر ۱۴۰ میلیون نفر از مردم اندونزی زیر خط فقر زندگی کرده و نزدیک به ۹ میلیون نفر از مردم فقیر زده این کشور تنها بایک وعده غذا در روز به زندگی خود ادامه می‌دهند.

* در حالیکه کمپانی مایکروسافت روزانه ۳۴ میلیون دلار سود به جیب می‌زند، تمامی کشورهای جنوب آفریقا همین مبلغ را تنها به عنوان بهره بدهی‌های اجباری خود به کشورهای امپریالیستی پرداخت می‌کنند. * ثروت شخصی ۱۰ نفر از ثروت‌مندترین افراد جهان، بیشتر از مجموع درآمد ناخالص ملی ۴۸ کشور فقیر زده جهان است.

* اگر موقعیت زنان را شاخص رشد جامعه بدانیم، "جهانی شدن سرمایه" آشکارا نشان از یک عقبگرد در این زمینه دارد. زنان در جامعه سرمایه‌داری "شهروند" درجه دوم محسوب می‌شوند. "جهانی شدن سرمایه" نیز این نابرابری را تشدید نموده است. بر طبق آمار های دولتی ۷۰٪ از ۱/۲ میلیارد نفر مردم جهان که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، زنان هستند.

* موقعیت اقتصادی زنان تحت مناسبات سرمایه داری دائماً در حال وخامت است. سرمایه‌داران تمام کارهای غیر مولد خانگی را به دوش زنان می‌گذارند. هرچند زنان نزدیک

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌ها را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagermd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۶۹

اگر در چند روز گذشته برای دسترسی به سایت سازمان در اینترنت با مشکل روبرو بوده‌اید، کافیست که مجدداً آدرسی را که در نشریه کار است به نمایشگر (Browser) خود بدهید، تا اشکال برطرف شود.

توجه

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority .org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority .org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No.353 mart 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی